

خواسته بود چون کرمانشاه یکی از نقاط سوارخیز دولت است بنده خودم آنجا سه سال خدمت کرده ام می دانم چقدر استعداد لازم دارد ترتیب آنجا چیست شاهزاده رکن الدوله عقیده اش این بود که باید سواره خارجی همراه داشته باشد قرار دادیم پنجاه نفر سوار از اینجا همراه ببرد سی نفر سوار فزونی هم آنجا است این کافی است رکن الدوله هم متقاعد شده جالتان این هشتاد نفر سوار خارجی در آنجا هست لکن در آنجا سوار بقدر کافی داریم و لوازم اینها را هم همین روزها تمین میکنیم حرکت کند .

وکیل التجار - بنده اول يك عرض مختصر

اساسی دارم عرض میکنم و راجع بعقیده خودم است بنده اساساً تغییر مذهب و وطن فروشی و ناموس فروشی را با تبعیت مساوی می دانم یعنی عقیده شخصی خودم این است و بین اینها تفاوت نمیدهم نه اختصاص بقیه ایران بدهم بلکه از دیگران هم که تغییر تبعیت بدهند و قبول تبعیت دیگری را می نمایند به عقیده خودم این را ناموس فروشی می دانم و صحیح نمیدانم و بدبختانه در این اواخر در گیلان این اتفاق افتاده است یعنی کم کم کار گیلان و اهالی گیلان و مالکین گیلان این شده است که خودشان را بیک دست آویزی نسبت بخارج می دهند و اغلب دست آویز هم ندارند و فقط خودشان را نسبت می دهند بدیگران در صورتی که اغلب قنصل گری روس هم خبر ندارد و این خیلی اسباب زحمت شده است یعنی در امور وقتی که طرف احتیاج و مذاکرات واقع می شوند و از طرف حکومت یا سایر ادارات يك مأموری می رود که آنها را در حکومت با سایر ادارات حاضر کنند جواب میگویند که ما رعیت پادشاه فلان آدم هستیم که او تبعه روس است و تا امروز با اینکه مکرر اظهار شده است يك اقدام جدی در این باب نشده است که جلوگیری بشود و همه آقایان می دانند که ادارات رسمی دولت اغلب بواسطه این مسئله معطل است عدم پیشرفت احکام عدلیه مالیه بلدییه و غیره و غیره تمام راجع به همین مسئله است بجهة اینکه محتاج می شوند که بفرستند عقب یکی بعضی شکایت دارند عارض میشوند گفتگو دارند آنها حاضر نمیشوند بلدییه بعضی عوارض را می خواهد بگیرد و آنها نمی دهند این خیلی اسباب اختلال امور گیلان شده است و خیلی صریح است قوانین بین المللی در خصوص تبعیت گذشته از آن قوانین در مامدات بین دولت روس و ایران در آنجا هم صریح است که تا دولت ایران تصریح نکند و اجازه ندهد تبعه ایران نمی تواند قبول تبعیت خارج را بنماید و برای اطلاع وزیر امور خارجه عرض می کنم از قرار چیزی که بخود بنده نوشته بودند و مستقیماً و صحیحاً رسیده است یکی از اشخاصی که در اداره تذکره باد کوبه بوده است و هر چه تذکره نقلی داده شده است در این دو سه ساله که بنده تمام را خوب می دانم میشناسم و خود جناب وزیر و سایرین هم همه میدانند و می شناسند بوسیله این شخص داده شده است از طرف خود دولت روس بجرم اینکه تذکره نقلی داده است گرفتار شده است و این ایام تحت استنطاق بوده و ظاهراً (سیبیر) برای او معین شده است حالا میخواستم بدانم تا حال در این خصوص چه اقدامی شده است چون این دیگری امر فوق العاده

نیست که محتاج به بعضی اقدامات باشد و منوط بر رفتن قشون روس باشد و بعضی اسبابها لازم داشته باشد گویا آنقدر زحمت نداشته باشد اگر مأمورین ما کار بکنند و دنبال بکنند نتیجه حاصل میشود بعد از این مطلب می خواستم عرض بکنم در خصوص این عملیات غرق شده که آقای آقا شیخ محمد فرمودند بنده خوب اطلاع دارم چون اینها از دو هزار الی دوهزارو سیصد منات بیمه هستند که اگر ضرر جانی باینها وارد شد باید کمپانی این مبلغ را بپردازد آنها بدهد و در این موقع که دو پست نفر اتباع ایران تلف شده اند فقط خاطر وزیر امور خارجه را منقطع می کنم باینکه ملتفت باشند که کمپانی مأمور خودشان در اینجا اسباب تضییع حقوق آنها بشود و اگر از برای هر يك از آنها اقل پول بیمه شان نفی هزار منات باشد دو پست هزار منات میشود باید از وزارت امور خارجه تا کیدی بمأمور آنجا بشود که مؤکداً و جدأ مطالبه پول آنها را بنماید و استدعا میکنم دفعه دیگر هم نفرمائید که در آنجا تبعه روس هم بوده اند اگر از طرف ما اقدام نشود از طرف خود روسها در خصوص تبعه خودشان اقدام خواهند شد آنها برای خودشان اقدام میکنند دخلی بماند (در این موقع سایر وزرا وارد شدند) .

وزیر امور خارجه - در يك مسئله ای که
 کراراً اینجا مذاکره شده است همین مسئله است که اشخاص متشبه شده اند بتبعیت خارجی از طرف وزارت امور خارجه این مطلب مطرح شده است و امیدوار هستیم بطوریکه شما اظهار کردید يك شخصی که در خارجه تذکره ها را می داده و می فروخته است و می ساخته است دستگیر شده است رسیدگی کامل بشود وزارت امور خارجه هم اطلاع داشت حتی اینکه دوسه نفر از اعیان رشت خبر رسیده است که بطور تقلب خود را تابع روس کرده اند و تحصیل تذکره کرده اند که اسامیشان را حالا نمی خواهم ذکر بکنم همین قدر رفع این اختلافاتی که هست بشود و قشون روس هم از اینجا خارج بشود امیدوار هستیم که همه جور دولت روس هم با ما مساعدت خواهد کرد که خیلی از کارها مان که در همسایگی با آنها داریم مساعدت نمایند اصلاح شود یکی هم مسئله همین اشخاص است که پاسپورت های آنها را بدولت داده اند که پاسپورت های جعلی بدست آورده اند و در این خصوص کراراً وزیر مختار روس بنده قول داده است که اقدام رسمی بکنند در اینکه آن اشخاصی که تبعه جعلی روس هستند یا شبرد های خودشان را باطل نمایند اما این مسئله که فرمودند من گفتم اتباع روس در حاجی ترخان اقدامات خواهند کرد بنده هم چه نگفتم بنده گفتم در اینجا این مسئله مطرح خواهد شد و اتباع روس حقوق خودشان را مطالبه خواهند کرد مأمور وزارت خارجه هم اقدام خواهد کرد و حقوق وراث آنها مطالبه خواهد شد و اینکه شما اشاره کردید ممکن است قونسل حاجی ترخان جیب خودش را پر پول کند و حقوق آنها را پامال کند اگر چه اعتماد به مأمورین وزارت خارجه هست ولیکن بعقیده بنده در این امر يك دقتی خاص لازم است بشود باین جهت گمان میکنم شاید بهتر این باشد که دو نفر از اینجا مأمور مخصوص بفرستیم که به همراهی قونسل

حفظ حقوق اتباع ما کاملاً بعمل آمده حقوق وراث آنها را مطالبه نمایند .
 رئیس - دستور جلسه آتی شور ثانی در قانون دیوان محاسبات و بقیه دستور امروز حالا جلسه خصوصی است .
 (مجلس مقارن مغرب خصوصی شد)

جلسه ۱۹۰

صورت مذاکرات روز سه شنبه

۱۷ ذی حجة الحرام ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب بریاست آقای ذکاء الملک منعقد گردید .
 صورت جلسه قبل را آقای معاضد الملک قرائت کردند .

اسامی غائبین جلسه قبل ، آقایان اسدالله خان کردستانی - سردار اسعد ده خدا (بدون اجازه غائب بودند) آقایان آقا سید محمد رضا - مستشار - الدوله - ممتاز الدوله - بهجت - حاج شیخ اسدالله - یوسف خان میرزا یانس (بموقع حاضر نشده اند) آقایان حاج میرزا زین العابدین قمی - حاج محمد کریم خان قشقائی مرخص بودند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

ارباب کیخسرو - بنده اولاً چنانچه سابق

هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم که اینصورت خیلی مشروح است و اینوقت مجلس را خیلی ضایع می کند و اگر چنین باشد گمان میکنم تند نویس لازم نداریم و آنچه در نطق وزیر جنک نوشته شده است تقریباً عین کلمات او است که نوشته اند و این لازم نیست میبایست خلاصه او نوشته شود ثانیاً این که در مسئله تغییر تبعیت راجع بعضی گیلانیها در صورت مجلس لفظ اغلب نوشته شده است و حال اینکه چنین چیزی گفته نشد این بود که يك عده معینی بوده است مطلب دیگر که میخواستم عرض بکنم که غالب از اوقات هنگام تعیین دستور رئیس می فرمایند دستور جلسه آتی بقیه دستور سابق و حال آنکه ما می بینیم خیلی چیزها در دستور آمده است و بکلی مسکوت عنه مانده است که بنده بعضی از آنها را یاد داشت کرده ام و استدعا می کنم بنده در خصوص اینها جواب مرحمت فرمائید که آیا يك عیبی در آنها بوده است که نباید جزء دستور شود یا قابل این نبوده که در مجلس مذاکره شود این را بفرمائید تا بعضی اشخاص که در روزنامه جات مطالبه می کنند بدانند که چه عیب در آنها بوده که جزء دستور نیامده است و الا نمی شود يك وقتی را مجلس صرف کند و هیچ معلوم نشود که چه شد مثلاً مسئله طلاشوئی معین شد و معلوم نشد چه شد و در باب مهاجرین بلوچ و در باب تجزیه بلوچ و راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه حامد الملک و هم چنین در باب ورثه مرحوم حسام - الاسلام و راپورت امرنان اینها چیزهایی است که جزء دستور آمده است و معلوم نیست چه شده است و نمی دانیم چه علت پیدا کرده که در آن ها مذاکره نشده است یا اینها را نباید عنوان کرد و

بآن اضافه و واجبی باید به کمیسیون بودجه برود بنده این را صحیح نمیدانم بجهت اینکه کثرت است که کسبک تمام شود مجدداً تجدید شده هر چه بوداده میشود این در واقع یک تعجیلی است بودجه دولت پس در موقع تجدید کلیه باید کمیسیون بودجه رجوع شود کمیسیون بودجه نظریات خودش را در این خصوص بنیادین بنده کاین کثرتات صلاح است یا خیر شاید کمیسیون یا مجلس این تجدید را صلاح ندانست یک اشکال دیگر بنده این است کاینجا وزیر تقاضا کرده است که یکبکهار- و بنام تو مان آنرا تبدیل بفرانك نمایند و کمیسیون هم آنرا همینطور تصویب کرده است و بنده آنرا صحیح نمیدانم بجهت اینکه مادر این مجلس باید نمایش ملی بدهیم یعنی آثار ملی را ظاهر کنیم یعنی بیاییم اگر تغییر میدهیم فرانك را تبدیل بفرانك کنیم نه اینکه بعکس قران را تبدیل بفرانك کنیم و حال اینکه در معاملات سابق دیده شده است که هر چه معامله کرده ایم بهمان تومان معامله کرده ایم حالاً می بینیم در اینجا کثرتات را بفرانك بستانند علاوه بفرانك بستانند آنهم که به تومان است تبدیل اورا خواسته اند که بفرانك نمایند و این را بنده هیچ رضایی نبودم کوزیر پست و تلگراف تصویب کند و گمان میکنم کمیسیون هم مرد کند دیگر اینکه نوشته است نظر بخدمت مسیوم ولتر بنده بطوریکه از خارج بدست آورده ام شاید بتوان یک اندازه خدماتش را تصدیق کردولی بارها گفته شد که ما اول خدمتی که از آنها میخواهیم این است که بما بنمایانند که در مدت خدمت چند نفر را برای ما تربیت کرده اند بطوریکه خودشان تصدیق کنند که اداره کردن را آنها خوب از عهده بر میآیند و در مدت استخدام آنها خصوصاً این شخص همچو خدمتی را بنده ندیده ام که کرده باشند اگر کرده باشند بنده ندیده ام و اینکه این خدمت را نکرده اند برای این است که حتماً خودشان باقی باشند و بنده این را تصدیق ندارم پس بنده حقیقتاً نمیتوانم تصدیق کنم که او در ایران خدمت کرده است و در باب اضافه و فوق العاده بلکه کلبه تجدید کثرتات عرض میکنم هر چه زودتر باید برود بکمیسیون بودجه که آنها هم نظریات خودشان را بنمایانند و این یک کلمه را هم برای اینکه اعضای کمیسیون بودجه مسبوق باشند عرض میکنم که باید در راپورت خودشان قید کنند که این چند مدت است در سر خدمت هست و کثرتات این از کی بوده است و بچه جهت باید تجدید کرد کثرتات اورا و این فوق العاده ای که باو داده میشود بچه میزان است این بجهت رتبه است که داراست باین جهت خرج فوق العاده ای که پیدا شده آخر خود بخود تصویب کردن يك خرجی و دادن اضافه فوق العاده که بی جهت نمیشود باید جهت معلوم شود بنده طلبش را نمی دانم برای چیست و این تعجیل را بنده بر بودجه صحیح نمیدانم و باید در کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکره شود که میزان اضافه مواجب اینها باید چه ترتیب باشد باید هر چه تقاضا کرده اند تصویب کنیم منتهی خیلی زحمت بکشیم اگر ده هزار فرانك اضافه تقاضا کنند هزار فرانك کسر کنیم یا اینکه هر چه که تقاضا نمایند عین آنرا تصویب کنیم یا واقعاً میزانی دارد که آنها هم بیش از آن اندازه نمی توانند تقاضا کنند اینها باید معلوم شود و فقط میخواستم در مقابل

آقای مغیر عرض کنم که این تجدید کثرتات يك مسئله تازه است و يك تعجیل فوق العاده است و محتمل است بنده بگویم تجدید کثرتات مستخدمی برای اداره پست و تلگراف لازم نیست بجهت اینکه شاید اینها اشخاصی را تربیت کرده باشند که محتاج وجود اینها نباشیم و از وجود اینها مستغنی باشیم این جهاتی که عرض کردم اینها باید بر گردد بکمیسیون بودجه و بنده دیگر مذاکراتی ندارم.

وزیر پست و تلگراف - اگر چه از طرف

بنده بنمایانم کان اعتراضی بشود البته خودشان بهتر میدانند ترتیب مذاکره را ولی حالا عرض میکنم که ترتیب مذاکره شان قدری مخلوط است يك مرتبه در این راپورت اساساً مذاکره میکنند که این راپورت قبل از اینکه بیاید بمجلس باید برود به کمیسیون بودجه يك مرتبه در کلیات و احرفی نیست و داخل جزئیات و مواد او میشوند آقای حاج سید ابراهیم از يك طرف می فرمایند که باید برود به کمیسیون بودجه از یکطرف داخل در مذاکره مواد این می شوند اول خوب است نمایانم گمان اینها معین نمایند که این باید بکمیسیون بودجه برود و نظریات آنها هم متضمناً بمجلس بیاید باخیر حالا باید در آن مذاکره کرد این قسمت عرض بنده راجع بترتیب مذاکره در مجلس است اما در خصوص مطالب دیگر هم که بنده مختصراً جواب عرض میکنم این است که گویا نظر آقایان باشد که این پیشنهاد قبل از آنکه بنده باین مقام مفتخر شوم به مجلس تقدیم شده بود و بنده هم بعضی تغییرات در آن داده ام بلکه اضافه ای که تقاضا شده بود قدری تخفیف لازم بود در کمیسیون پست و تلگراف کرده شد و بعضی تبدیلات و تغییراتی که لازم بود در کمیسیون پست و تلگراف داده شد بنده شخصاً اگر اکثریت مجلس تصویب کرد که برگردد بکمیسیون بودجه البته اصراری ندارم و البته نمی توانم در این مورد عرض بکنم ولیکن چون این عمل سابقه دارد که اغلب کثرتات های مستخدمین خارج را بدون اینکه بکمیسیون بودجه برود بمجلس آورده اند و بمجلس گذشته است علاوه باین شخص هم مدتی است که کثرتات سر آمده و اینها در هر سال چهار روز حق تعطیل دارند و این چند سال تعطیل نرفته است و چهار ماه رویه نرفته حق تعطیل داشته و این چهار ماه گذشته که حق تعطیل بوده است بر حسب تقاضای وزارت پست و تلگراف مشغول کار بوده است و آن مدت تعطیل هم سر آمده این است که اگر مجلس در این باب مخالفتی ندارند بنظر بنده خوب است امروز اساساً این مطلب معلوم شود که لازم است به کمیسیون بودجه برود باخیر بعد از آنکه اول در این مسئله اساسی رای گرفته شد و معلوم شد تکلیف او چیست آنوقت بنده جوابهای آقای حاج سید ابراهیم را در جزئیات این راپورت خواهم داد حالا باید بمجلس معین کند که قبل از اینکه این راپورت بکمیسیون بودجه برود داخل آن مذاکره خواهد شد باخیر . رئیس - پس اول این مسئله را معین کنند که امروزه در این باب مذاکره می شود یا باید به

معین بکنند که این کثرتات را تصویب می کند یا خیر پس از آنکه تصویب کرد آنوقت تماثل می کنیم هیچیک از این مطالب ربطی بکمیسیون بودجه ندارد فقط در خصوص آن دو هزار فرانك چون از بودجه کل منظور می شود ممکن است کمیسیون بودجه نظرات خودش را بنمایانم و الا لزوماً در خصوص آن هجده هزار فرانك در بودجه منظور بوده است پس از آنکه بمجلس تجدید کثرتات اورا تصویب کرد لازم نیست کمیسیون بودجه در این نظری بنمایانم حالا مجلس باید معین کند که تجدید کثرتات سه ساله اورا تصویب می کند یا خیر بعد از آنکه این معین شد آنوقت در باب بودجه اش باید رای بدهد اینهم مثل سایرین این از هر جهت باید رجوع بکمیسیون بودجه شود والا کسی نمی گوید که کمیسیون بودجه بودجه مسکنتی رسیدگی نکند وظیفه کمیسیون بودجه رسیدگی ببودجه مسکنت است و از آن طرف هم می توانم عرض بکنم که کمیسیون بودجه چون هنوز بودجه کل جمع و خرج را ندیده است و بکمیسیون بودجه فرستاده نشده نمی تواند در این از حیث تماثل جمع و خرج را ندیده است و بکمیسیون بودجه فرستاده نشده حالا مجلس باید معین کند که تجدید این کثرتات را اصلاح می دانند یا خیر .

حاج سید ابراهیم - بنده اخطار قانونی

دارم در ماده ۱۸ نظامنامه داخلی مینویسد يك کمیسونی موسوم بکمیسیون بودجه مرکب از ۱۷ نفر در اول هر دوره اجلاس هیات هیات از شعبات معین میشود در وظایف این کمیسیون مینویسد (۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال بعد (۲) تمام لواحق پانچ قانونی که موجب تغییر و خرج سال بعد است این يك لایحه است که تقاضای خرج شده است و باید برود بکمیسیون بودجه به موجب این قانون و در ماده بعد مینویسد .

ماده ۱۹ - اگر لواحق یا طرحهای قانونی که متضمن تقاضای وجوه اضافی یا فوق العاده سال جاریه یا گذشته بمجلس پیشنهاد شد آن لواحق و طرحها باید بکمیسیون بودجه سال اخیر رجوع شود مگر در صورتی که دوره تقنینیه بسر آمده و طوری شود که انعقاد کمیسیون سال قبل ممکن نباشد در چنین موقعی لواحق فوق رجوع شد بکمیسیون بودجه این پیشنهاد موافق این مواد باید برگردد بکمیسیون بودجه و لازم برای نیست .

آقا شیخ غلامحسین - اجازه بفرمائید برای اسکاآت آقا ماده ۲۰ را بخوانم!

ماده ۲۰ - مجلس همیشه میتواند رسیدگی لواحق و طرحهای قانونی را که در ماده ۱۹ ذکر شد بکمیسیون مخصوص دیگری رجوع نماید ولی چنین کمیسیون مخصوص که مأمور رسیدگی لواحق مزبور است فقط باید در کلیه لایحه راپورتی بدهد بدون اینکه بتواند در باب خرج عقیده ای پیشنهاد نماید . بموجب این ماده مسلماً باید بکمیسیون بودجه برود (اغلب تصدیق کردند) .

وزیر پست و تلگراف - بنده از اظهارات رئیس کمیسیون همچو می فهمم که کمیسیون بودجه بیکار است ولی امیدوارم همین چند روزه بودجه تمام وزارت خانه ها بمجلس بیاید که از کثرت کار اظهار خستگی

بکنند و در این خصوص اصراری ندارم که باید حتماً برگردد بکمیسیون بودجه بنده در مقابل اکثریت نمی توانم اظهاری بکنم چون برخلاف اکثریت معلوم است نمی شود ولی عرض میکنم بر فرض که بکمیسیون رجوع شد رای کمیسیون بودجه که قطع نخواهد بود بالاخره رای مجلس باید معلوم شود باین تفصیل بواسطه اینکه مدتی است این آمده بمجلس و نگذشته است و ایام تعطیل این شخص هم سر آمده است بنده تقاضا میکنم که در مجلس مطرح فرار بدهند رئیس - معذرت میگویم در این باره باید در این مجلس مطرح مذاکره شود یا بر حسب قاعده باید رجوع بکمیسیون بودجه شود گرچه چند فقره پیشنهاد شده است معذرت داخل در مذاکره نمیشویم و رای میکنیم .

منتصراً السلطان - ماده ۲۰ را که خوانده اند ملاحظه فرمودید مینویسد در باب خرج کمیسیون دیگری اظهار عقیده بنمایانم و کمیسیون فواید عامه در خصوص خرجش که عبارت است از آن دو هزار فرانك اصراری ندارد برود بکمیسیون بودجه لیکن سایر مواد تجدید کثرتات که بهیچوجه مربوط بکمیسیون بودجه نیست عجالتاً وزیر پست و تلگراف هم در خصوص تجدید کثرتات تقاضا کرده اند که در مجلس مذاکره شد رای مجلس معلوم شود و در باب بودجه اش میخواهند برود بکمیسیون بودجه برود اصراری نداریم .

رئیس - اگر بنا است که برود بکمیسیون بودجه دیگر چه لازم که حالا در او مذاکره کنیم بهمانند تاراپورت کمیسیون بودجه راپورت که آمد در این خصوص کلیه مذاکره میکنم

شروع بشود در بقیه قانون دیوان محاسبات شد و دوازده ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده بود به بند اول قانون محاسبات الحاق شود بترتیب ذیل قرائت شد ماده ۲۳ - اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتیکه پس از عضویت دیوان مزبور از شغل خود استعفا دهند .

(۱) کسانیکه دارای شغل دولتی بوده و امتصداً یکی از معاملات دولتی باشند . (۲) نمایندگان مجلس شورای ملی و سناتو اعضای انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی .

حاج سید ابراهیم - آنوقت مذاکره شد کدر این ماده شور دوم است و رای گرفته شد حالا دوباره شور میشود .

رئیس - در این ماده رای نکرده ایم در ماده سابق رای گرفته شد .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم که این مطلبی که اینجا نوشته که هیچیک از اعضای انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی نباید در دیوان محاسبات مستخدم باشند یعنی صاحبان شغل های دیگر هم آزاد نیست با آزاد است آزاد است شغل های دیگر هم نیست شغل های دیگر این ماده درست است و باید قید شود والا درست نمیشود و عرض میکنم اینجا نوشته است که اعضای دیوان محاسبات یکی از اعضای مجلس شورای ملی و سناتو نباشد اگر مقصود این است که در زمانی که در یکی از این مجلسین عضو هستند نمیتوانند در دیوان محاسبات عضو باشند همچو از این مفهوم معلوم میشود که ممکن است که در دیوان محاسبات باشد و شغل دیگری هم داشته باشد از آقای معبر سؤال خواهم کرد یا نخواهم کرد

فهم الملک - این را توضیح بفرمائید . فهم الملک - ابتدای ماده را اگر قدری قدرت بفرمائید گویا اشکالی نباشد در اول ماده مینویسد که اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتیکه پس از عضویت دیوان مزبور از شغل خود استعفا دهند - اولاً کسانیکه دارای دولتی بوده اند این اشخاص نمی توانند دارای عضویت باشند - ثانیاً نمایندگان مجلس شورای ملی و سناتو و انجمن های ولایتی و ایالتی و بلدی شغل این عددهم باید دیوان محاسبات موافقت نادر دیگری از این دو را باید قبول کنند حالا اگر عضویت دیوان محاسبات را قبول کرد از شغل سابق خود استعفا میدهد .

حاج سید ابراهیم - بنده آنروز هم عرض کردم که مقصود از این ماده این است که اعضای دیوان محاسبات مادامیکه دارای این شغلند شغل دیگری نباید داشته باشند یعنی دو شغل را نباید در عهده بگیرند و این عبارت کافی نیست و الا قبل بنویسند کسانیکه دارای شغل دولتی هستند مثلا اهل نظام ممنوع هستند یا ممنوع نیستند البته ممنوع هستند زیرا که بسا می شود خدمات عسکریه اجباریست یعنی در زمانیکه عضو هستند خدمت دیگری از مشاغل دولتی را ممنوعند از این جهت باید عبارتی بنویسند که وافی باشد .

حاج سید نصرالله - بعضی مشاغل دولتی هست که يك نسبت محفوظی دارد نسبت بدو طایفه که بزرگ از آنها نسبت خاصی دارد و بطور مطلق نمی توان گفت منافات دارد یعنی يك مرتبه نسبت باین طایفه شغلی که بشرط لا است مثل اینکه اگر عضو دیوان محاسبات شد نباید شغل دیگری داشته باشد بجهت اینکه هر کدام از اینها وظایف و تکالیفی دارند که با این شغل نمی سازند یعنی منافات دارند اینجا بشرط لا است یکمرتبه بعضی مشاغل است که لا بشرط است مثل اینکه مثلا شغل معاضی داشته باشد اینجا باهم میسزد حاصل آنکه مشاعلی هست که باهم میسزد و لا بشرط است و بعضی هست که هم میسزد و لا بشرط است

آقا محمد پروچردی - اینجا چنین نوشته است که اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند بجهت اینکه انتخاب یکدسته اسباب معطی میشود و آیا برای نمایانگی خود مجلس هم این مدتها معطل میشوند یا نه و قبلاً از شغل خود استعفا میدهند یا نه در هر سال این خیلی اسباب معطی خواهد شد پس باید بنویسد که اشخاص ذیل از انتخاب شدن محرومند که ابتداء کاری بآنها نداشته باشند .

فهم الملک - يك مطلبی میفرمائید که بکلی مخالف با قانون است چطور میشود بیک نفر بگویی از کار خود استعفا بده تا اتورا انتخاب کنیم بعد از انتخاب بپیل خود اوست یا اینکه از شغل دولتی استعفا میدهد و عضویت دیوان محاسبات را قبول می کند یا اصلاً عضویت دیوان محاسبات را قبول نمی کند قبل از وقت که نمیشود اورا بیکار کرد که او را انتخاب خواهند کرد یا نخواهند کرد

معزز الملک - عموماً شرایطی که در قانون

نوشته میشود فقط برای پذیرفتن اشخاصی میشود که آن اشخاص باید دارای آن شرایط باشند یا این است که یک شخصی دارای آن شرایط هست یا نیست در اینجا فقط دو شرط معین کرده است برای آن کسانی که نمیتوانند عضویت دیوان محاسبات را دارا باشند که دارای مشاغل دولتی هستند و یکی که در واقع مشغول است یکی از کارهای وکالت و پس از آنکه آن قانون از مجلس گذشت کسانی که سواً این شرایط بعضی مشاغل دیگر دارند قانوناً نمیتوانیم آنها را انتخاب کنیم مثلاً اگر کسی محکوم باشد بجنحه یا جنایاتی این قانون هم نبرساند که این شخص محکوم است و آرزو که اظهار شد که این دو شرط را باید قید کرد آقای مخبر گفتند که تا این دو شرط را قانون قرار بدیم بر میخورد بمجلس بجهت اینکه خیلی واضح است و مجلس کسی را که محکوم باشد انتخاب نخواهد کرد این دلیلی بقانون نویسی ندارد ممکن است که یک کسی محکوم باشد ولی مجلس شورای ملی در آن موقعی که او را انتخاب میکند هیچ اطلاعی نداشته باشد مثلاً این شرط قید نشده است در قانون و از طرف دیگر ما حق میدیم بوزیر مالیه که اشخاصی را برای عضویت دیوان محاسبات میتواند بمجلس شورای ملی معرفی نماید که این دو شرط در آنها نباشد وزیر مالیه نمیتواند کسانی که این دو شرط را از قانون نداشته مجلس شورای ملی بوزیر مالیه تعرض میکند که چرا این را معرفی کردی به مجلس چه حق داری که یک شخصی که محکوم بوده است و یک کسی که دزدی کرده انتخاب نمیشود بواسطه یک خیال موهوم که آنرا شرط قرار بدیم بمجلس شورای ملی بر میخورد نمیشود مهمل گذاشت مقصود این است که شرایطی که در قانون می نویسد باید دارای شرایطی باشد جامع که اگر بعد از آنکه آن قانون قانون نشد آن شخصی که دارای شرایط نباشد مجرم خواهد بود مابقی برای این دو شرط ولایتی که محکوم باشند حق انتخاب خواهند داشت.

معزز الملک - این مقاصد ربطی بماده ۲۳

ندارد و بنده تعجب میکنم از فرمایشات آقای معزز الملک که میفرمایند وزیر مالیه یک کسی را که همین قدر که این دو شرط را دارا باشد پیشنهاد میکند و مجلس هم انتخاب میکند دیگر هیچ در این ماده نوشته نشد که هر کس را وزیر مالیه پیشنهاد کرد مجلس قبول کند هیچ نوشته اند که اگر وزیر مالیه یک جانی و قائلی را به مجلس پیشنهاد کند مجلس مجبور است که حتماً او را انتخاب بکند اینکه این شرایط را نوشته ایم منوط کرده ایم بنظر مجلس اگر بنویسیم در این جا قائل نباید انتخاب شود حکماً یک قائلی را انتخاب میکنند نه.

این یک وهنی میشود برای مجلس و هیچ لازم نمی دانم این ربطی باین ماده ندارد این ماده می گوید مشاغلی که با عضویت دیوان محاسبات منافات دارد این دو شرط است یکی مشاغل دولتی است و یکی عضویت سنا و مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی حالاً حتماً اگر باید قید شود که محکومین و اشخاص جانی و قائل نباید عضو دیوان محاسبات شوند معرفی است علیحده و اولاً بنده لازم نمی دانم بجهت اینکه یک چیزی است که باید یک ماده در کمیسیون بنویسند و پیشنهاد کنند و برگشتن این ماده را به کمیسیون بنده لازم نمیدانم این یک چیزی نیست که در این ماده گنجانیده شود باید در ماده دیگر نوشته شود و در پیشنهاد آقای معزز الملک هم علیحده باید رای گرفت اگر تصویب شد یک کمیسیونی برود.

حاج آقا - بنده دیر با زود لازم می دانم که یکی از قوانین بسیار مهمی که باید از این مجلس گذشته شود یکی قانون استخدام مستخدمین ادارات دولتی است که در آن قانون برای مستخدمین ادارات دولتی شرایط عمومی و خصوصی وضع خواهد شد و در موقع اجراء خواهد آمد و بدیهی است که بعد از

سلیمان میرزا - این ماده مذاکره ندارد و

بنده میخواستم عرض کنم که در پیشنهاد بنده رای بگیری اگر قابل توجه نشد آنوقت بر گردد به کمیسیون.

رئیس - آنها تمام رجوع شد بکمیسیون.

حاج سید ابراهیم - در اینجا نوشته است که در زمان تعطیل مجلس شورای ملی مراد از تعطیل اگر تابستان باشد و در زمان تعطیل بین دوره تقنینیه و اجلاس مجلس منقضی باشد در این صورت این عبارت دلالت ندارد اگر مدتشان سر آمده باشد در این زمان تکلیفاتشان چه خواهد بود.

فهییم الملک - تفاوت نمیکند هر وقت مجلس شورای ملی منقوح است مطابق ماده چهاردهم عمل میشود و هر وقت نیست باید باشند تا موقع افتتاح بیاید.

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۲۴ بطوری که در راپورت کمیسیون پیشنهاد شده است کسانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)

ماده ۲۷ - رئیس کل و مدعی العموم صاعی و مواظب خواهند بود که در هر موقع مراسم قانونی رعایت شود و مدعی العموم در صورت مشاهده تخلف مراتب را بریاست کل اطلاع داده و اصلاح آنرا درخواست خواهد کرد.

فهییم الملک - بنده زیاد برای توضیحی

عرض نمی کنم ووا گذار میکنم برای مجلس ولی عرض می کنم هر قانونی باید بعد از آنکه قدری در مملکت معمول شد و تجاربی حاصل شد و محسوسات و معایب آنرا معین کردند آنوقت آنرا وضع و اجرا میکنند و امروز میزان محکوم بودن بجنحه و جنایات در مملکت چیست فرضاً در ایام استبداد کسی را برزند و حبس کردند و چوب زدند اگر حالا بغواهییم آن اشخاص را محکوم فرار بدیم باید خیلی اشخاص را محکوم کرد در صورتی که مظلوم بوده اند پس برای میزان محکومیت بجنحه و جنایات باید قانونی وضع کرد مثلاً اگر میزان سرفت را بگیری ما می توانیم خیلی از اعمال که معمول و متداول سابق بوده است داخل در سرفت محسوب بداریم اینها عنواناتی می شود در دست اشخاص که بغواهند یک اداره ای را خراب کنند پس تا وقتی که یک میزان درستی برای جنحه و جنایات و سرفت معین نشده است بنده گمان می کنم نمی شود چیزی نوشت با وجود این عرض کردم آنطوری که آقایان ملاحظه فرموده اند اگر بنویسیم مجبور میگردیم و اگر بنویسیم نمی گردیم می توان گفت که چون در قانون قید نشده است که طایفه نسوان از انتخاب محرومند پس باید از آنها انتخاب شود اینها چیزهایی است که مسلم است در مملکت محتاج به تذکر نیست با وجود این حالا در اصل این پیشنهاد ملاحظاتی کرده اند می توانند رای بدهند این قابل توجه است که یک همچو ماده ای راجع به منوع بودن اشخاصی که محکوم بجنحه و جنایات و امثال آن هستند آیا یک همچو ماده ای لازم است که ضمیمه شود یا خیر؟ اگر لازم است که رای داده شود بعد از کمیسیون هم یک ماده اضافه بمجلس پیشنهاد خواهد شد حالا بسته با اکثریت مجلس است.

فهییم الملک - این لفظ مدعی العمومی

اولی که اینجا نوشته زیاد است بجهت اینکه رئیس کل مواظب خواهد بود و مدعی العموم مراتب را بر رئیس کل اطلاع خواهد کرد و الا رئیس کل و مدعی العموم هر دو مواظب خواهند بود و بنده نمی فهمم.

فهییم الملک - این مطلب واضحی است مدعی العموم و رئیس کل هر دو مواظب خواهند بود در مواظبتش میباید ملاحظه خواهد فرمود چه وظایفی دارند باید مدعی العموم هم مواظب باشد حالا اگر رئیس کل منفصل شد او اخطار میکند اگر مدعی العموم ملتفت نشد او اخطار میکند.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم بمسک

فرمایش آقای حاج سید ابراهیم هیچ رئیس کل نمی خواهد زیرا که مدعی العموم همه جا ناظر و حاکم است هیچ این وظیفه رئیس کل نیست و همانطور که آقای آقا میرزا مرتضی قلی خان فرمودند وظایف مدعی العمومی در دیوان محاسبات این حق را بمدعی العموم داده و معلوم است پس از آن که مدعی العموم جلب کرد یکی را به محکمه البته با اطلاع رئیس کل خواهد بود و بعقیده بنده رئیس کل این جا زیادی است و تقاضای حذف آنرا دارم.

فهییم الملک - فقط جلب به محکمه است که بتقاضای مدعی العموم میشود ولی آن وظایفی که در این قانون شرح داده می شود او وظایف خودش را بعمل خواهد آورد و آن وظایفی که باید اقدام و اخطار به مدعی العموم بشود رئیس کل باید مواظب ناظر باشد ابتدا مدعی العموم نمی تواند بآنها رسیدگی کند.

حاج سید نصر الله - اینجا باید ملتفت شود

که اگر ما خوب این مطلب را دقت کنیم اینجا یک نکته ای است از این جهت ذکر کرده اند از باب اینکه اصلح اینست که اینطور باشد بلکه در مقام صلاحیت بنده شاید بگویم اینکه قید کرده اند که هیچ جا مشغله نداشته باشد صعب است بنده عرض میکنم که یک تاجر یکه خیلی شغل دارد شاید صلاح باشد که عضو این مجمع شود این را باید ملتفت بشود که در اینجا یک تنافی یافته اند که لازم ندانسته اند قید این ماده را.

معزز الملک - قانون یک دستورالعملی است

که یک چیزی را یا تجویز میکند یا منع میکند در هر صورت هر چیزی را که قانون تجویز میکند آن چیز را انسان می تواند که رفتار کند و همین طور در صورت منع چیزی را که انسان می تواند منع بکند در حوزه منع داخل است و چیزی را که قانون منع نمی کند نمی شود منع کرد و عموماً قانون را وقتی می نویسند هیچوقت معین نمی توانند بکنند و نظر باین داشته باشند که این شخص شاید اینکار را نخواهد کرد و قتی که یک چیزی را می نویسند باید یک نحو جامعی بنویسند که برای هیچکس اسباب اشکال نشود مخبر فرمودند که ما شرط بکنیم در جزء شرایط محکوم نبودن اجزای دیوان محاسبات را قید بکنیم که اشخاصی که متهم بجنحه و جنایات و محکوم هستند بر میخورند بمجلس مقنن باید جامع بنویسند بنده یک مثلی هم آوردم مخبر محترم هم هیچ توجه نفرمودند بنده عرض نکردم که مجلس شورای ملی حق این را دارد که یک کسانی را از خارج انتخاب کند که این صفات را داشته باشند من گفتم مجلس شورای ملی ممکنست یک عده را انتخاب کند در صورتی که هیچ اطلاع نداشته باشد که اینها مرتکب جنحه و جنایات هستند در عالم تصور و فرض ممکن است شما بوزیر یک حقی دادید که یک عده اشخاصی را انتخاب کند وزیر مالیه از روی چه دستورالعملی رفتار خواهد کرد البته از روی همین قانونی که از مجلس خواهد گذشت می بینید آن شرایطی که لازم است برای عضویت چه چیز است و شرایطی

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کردم که لفظ رئیس کل از این ماده حذف شود گویا مخبر محترم توجه نکردند مدعی العموم نماینده دولت است و همیشه باید مراقب باشد که هر جا دید خلاف قانون شد آن شخصی مخالف را جلب به محکمه کند و از جانب دولت با او طرف محاکمه واقع شود این کار بهیچ وجه وظیفه رئیس کل نیست نه در دیوان محاسبات و نه در عدلیه در هیچ جا فقط مخصوص به مدعی العموم است خوبست مخبر محترم بفرایند که در وظایف رئیس کل و مدعی العمومی کجا این حق مخصوص مدعی العموم است و بنده پیشنهاد می کنم که رئیس کل حذف شود.

افقار الواعظین - بنده می خواستم سوال

کنم آیا ممکن است که در یک اداره رئیس آن اداره مراقب جریان آن اداره و حافظ آن نباشد و باید فقط مدعی العموم مواظب باشد برای اجرای قانون آن اداره بدیهی است که رئیس کل هم باید کمال جد و جهد را برای قوانین آن اداره مثل مدعی العمومی داشته باشد و رئیس کل لازم است و نباید حذف شود.

سلیمان میرزا - این که آقایان جد دارند

که رئیس کل در این جا باشد تأمل فرمائید که این جا نوشته شده است که مدعی العموم بر رئیس کل اطلاع بدهد پس در حال باید بر رئیس کل اطلاع بدهد و من نمی دانم چرا آقایان اصرار دارند.

رئیس - حالا رای میگیریم اول بر ماده

بآن ترتیبی که شاهزاده سلیمان میرزا پیشنهاد کرده است بعطف رئیس کل کسانی که موافقت با آن ماده بعطف رئیس کل قیام نمایند [ماده منور با اصلاح تصویب شد]

ماده ۲۸ - هر گاه محاکم دیوان محاسبات از

اعتقاد جلسات اعمال نمایند و یا بتکالیف خود عمل نکنند یا از دایره نظم خارج شوند رئیس کل بآنها اخطار خواهد کرد در صورت لزوم می تواند بمجلس عمومی رجوع نماید مدعی العموم هم در موارد فوق حق دارد مراتب را بر رئیس کل اطلاع داده تشکیل مجلس عمومی را تقاضا نماید.

حاج آقا - قبل از آنکه مطالعه مواد شود

رای گرفته می شود و چهار یک اشکالی می شود چنانچه الان در آن ماده ۲۷ بآن پیشنهاد رای گرفته شد که لفظ رئیس کل حذف شود باید حذف کنیم از این ماده که به تکالیف خود عمل نکنند گمان می کنم که اگر یک رئیس کل ناظر بر جریان قانون شود و یک مدعی العمومی هیچ منافات نداشت که رئیس کل که مشغول صحت اعمال اداری است در مقام خلاف قانون اخطار قانونی بکند خصوصاً رئیس کلی که مشغول است و باید اجرای قانون را همیشه در نظر داشته باشد تا موافق آن قوانینی که بنویسیم این جا بتکالیف خود عمل بکند یعنی بموجب این ماده مدعی العموم باید مواظب باشد و بر رئیس کل اخطار بکند و رئیس اجرا بکند و این که در این

متفاوته مقرر می شود و از این جهت است که در این قانون بعضی از مطالب راجع به تقصیر اعضاء را رجوع کرده است به مجلس عمومی دیوان محاسبات و یکی از مجازات را که عزل است و در مقابل تقصیر است عمده می شود راجع کرده است به تصویب مجلس شورای ملی به عبارتی آخری اگر چه دیوان محاسبات ترتیب آن ترتیب اداری است و نباید اعضاءش را تغییر باشند ولی چون اعضاءش را مجلس معین کرده است حاکم و حکم عالی آنها را در مجلس می شود و رأی او قاطع است حالا اگر در يك موردی استثنا شده است آن يك مطلبی است علیحده ولی قانون اساسی عزل و نصب اعضاء دیوان محاسبات را به مجلس واگذار می نماید اگر چه در عقیده بنده این بشود که بدون حکم محکمه نباید این هامزول بشوند برای این که ما می بینیم که بعضی از ادارات اعضاء آنها به موجب فرمانات منصوب می شود اما وزیر نمی تواند آنها را عزل کند مگر با حکم محکمه و با این جهت عقیده بنده این است که در این مورد بگوئیم که حق مؤاخذة با رئیس کل و مجلس عمومی است ولی عزل آنها بسته بصدور حکم از محکمه و تصویب مجلس شورای ملی است حالا بنده در این باب اصراری ندارم فقط چیزی که می خواستم عرض کنم در باب مؤاخذة بود مؤاخذة درجات دارد برای این که فی الواقع این مؤاخذة مجازات انتظامیست و از این قبیل همه روزه اتفاق می افتد يك دفعه می بینند يك نفر يك ساعت از سر وقت دیر حاضر می شود يك مرتبه تمام روز را غایب می شود يك مرتبه يك تقصیر دیگری می کند يك مرتبه این است که يك اشتباه دفتری می کند پس این تقصیرات همین طور درجات دارد و از برای مؤاخذة آنها باید درجات قرار بدیم این ترتیب که می گوئیم اگر یکی از اعضاء فلان خلاف را بکند مستحق توبیخ است آنوقت يك درجه بالاتر برویم و بگوئیم که اگر بعد از این کار فلان خیانت را کرد مستحق فلان مجازات خواهد بود که مثلا ربع مقرر یکماهه او توبیخ خواهد شد و همین طور درجه بدرجه بالاتر برویم تا جایی که برسد با مستحقان انفصال موقتی که آن دیگر از مجازات انتظامی خارج است و بعد از آنکه از مجازات انتظامی گذشت آنوقت مجازات جزئی است که آنهم باید در يك ماده دیگری ذکر شود و کلیتاً مقصود بنده در این جا این است که مجالساً در آخرین ماده خوب است يك تشریحی از مؤاخذة و اینکه مؤاخذة چند درجه دارد و درجات آن چیست بشود و باین جهت میخواهم تقاضا کنم که این ماده بر گردد به کمیسیون و این مطلب صریحاً تشریح شود .

حاج آقا - این مطالبی را که آقای مشیرالدوله فرمودند در سر جای خودش صحیح است ولی این مؤاخذة و ترتیباتی که در این ماده نوشته شده است راجع به تقصیرات ابتدائی و چیزهایی است که محاکمه لازم نداشته باشد والا در آنجا بیکه معاکمه لازم داشته باشد و از تقصیراتی باشد که موجب انفصال نباشد راجع به مجلس عمومی دیوان محاسبات است که باید در تمام مطالب مهم در همان مجلس عمومی دیوان محاسبات اعضاء حاضر شوند و بعد از مذاکره

رأی بدهند مگر در آنجائی که راجع به عزل یکی از اعضاء باشد که در آنجا چون عزل و انتخاب اعضاء با مجلس شورای ملی است مجلس عمومی تشکیل میشود و رأی میدهد و نتیجه به مجلس راپورت داده می شود که مجلس رد و قبول آن رأی میدهد و بدیهی است که مجلس که حاکم بر محاکم جزء است همان مجلس عمومی است و نمیشود اعضاء دیوان محاسبات را در يك محکمه دیگری که در تحت مجلس عمومی است گفت که محاکمه کنند و حکم بدهند تا اینکه آقای مشیرالدوله بخواهند بفرمایند منوط بحکم محکمه بشود کلیه مطالب در مجلس عمومی مطرح می شود و اگر تقصیراتی است که مجازات آن کمتر از عزل است بهمان رأی مجلس عمومی اکتفا می شود والا که راپورتی بمجلس پیشنهاد میشود و مجلس تکلیف آنرا معین می نماید .

ارباب کیخسرو - بنده باز میخواهم عرض کنم که دیوان محاسبات هر قدر اعضاءش کافی باشد باز مقامشان از نمایندگان مجلس شورای ملی که بالاتر نخواهد بود و اگر آقایان رجوع کرده باشند بماده ۱۲۲ نظامنامه داخلی می بینند که در مقام نمایندگان تشریح کرده است و از برای مؤاخذة درجات قرار داده است بنده عرض میکنم تمام قوانینی که وضع می شود برای رفع زحمت است حالا چه ضرر دارد که الان برای همین فقره يك محدودی و يك درجاتی را معین کنند که بعدها اسباب زحمت نشود به عبارتی آخری اسباب اغماض از مجازات و مؤاخذة بعضی وزیاده روی در مورد بعضی دیگر نشود

فهم الملك - ماده ای را که آقای ارباب کیخسرو فرمودند خودشان فرمودند که از نظامنامه داخلی مجلس نوشته شده است پس این مطلب هم راجع خواهد شد بنظامنامه داخلی دیوان محاسبات و در آنجا باید که درجات این مطلب مشروحاً نوشته شود در این قانون نباید آن ترتیب نوشته شود مثلاً در قانون اساسی که وظایف مجلس را معین کرده است دیگر مسائل راجعه بنظامات مجلس را ننوشته است آنرا باید مجلس شورای ملی در نظامنامه خودش بنویسد و اگر يك قدری آقایان تأمل بکنند تفصیل این فقره در ماده قبل ذکر شده است و این یکسحق فوق العاده است که فقط رئیس کل بمیزین داده و ربطی بسایرین ندارد برای اینکه میزین ممکن است همه روزه مورد این مؤاخذات واقع بشوند و برای اینکه يك بازخواستی از آنها بشود که مسامحه نکنند اینحق را از برای رئیس کل معین کرده اند که او حق مؤاخذة و بازخواست را از میزین داشته باشد حالا آن شرحی را که میگویند ما باید در یک قانونی که برای کلیه مجازات وضع می شود نوشت و یا اینکه دیوان محاسبات در نظامنامه داخلی خودش بنویسد .

مشیرالدوله - توضیحاتی را که آقای حاج آقا دادند ابدأ راجع بمطالب نبود و مرقانع نکرد ولی توضیحی را که آقای مخبر دادند بنده بماده قبل اعتراضی ندارم برای اینکه گذشته است بنده عرض میکنم که اینکه در این ماده نوشته شده است که میزینی که در انجام امور کوتاهی می نمایند رئیس کل حق مؤاخذة را از آنها خواهد داشت از این ماده همچو می فهمیم که رئیس کل حق مؤاخذة را در بعضی موارد دارد حالا در آن مواردی که باید در مجلس عمومی دیوان محاسبات مطرح شود و بمجلس راپورت آن پیشنهاد شود عرضی ندارم ولی عرض میکنم در این مورد

که این حق بر رئیس کل داده می شود و باختیار او میگذارند باید درجاتی برای آن معین کنید که رئیس کل مطابق آن رفتار کند .

آقای زاهر ترضی قلیخان - اولاً این مسئله را که آقای ارباب کیخسرو مثل زدند بنظامنامه داخلی مجلس بنده عرض میکنم که ابدأ این مثل صحیح نیست برای اینکه اعضاء مجلس هیچ تفاوتی در بین آنها نیست فقط یک نفر رئیس معین میکنند برای حفظ انتظامات داخلی پس از آن رئیس باید درجاتی برای مؤاخذة معین کند اما اینجا اینطور نیست یک نفر را بریاست کل معین میکنند سه نفر را بریاست محاکم و همچنین چند نفر مستشار و چند نفر معین تعیین می نمایند و چون درجات هر يك محفوظ است هیچکدام از آنها نمی توانند آن اموری را که حق رئیس است در محاکم خودشان اجرا نمایند و یکی از آن امور همین حق مؤاخذة است و تصور نمی کنم که آن هیچ شبهه درش باشد که کوتاهی میزین را تقصیر نمیشود گفت این فقط یک تصور است که ممکن است از طرف میزین بشود و برای مجازات آن همینقدر کافی است و الا تقصیر يك مقام دیگری است و البته او هم در جاتی دارد و هم باید مجازاتش

درجات داشته باشد این تقصیر نیست بلکه قصور است و برای این دوطور مؤاخذة در این جا معین شده است یکی اینکه در مرتبه اول رئیس کل او را بخواند و شخصاً از او مؤاخذة کند و اگر در ثانی باز تکرار کرد و رئیس کل دید که بمؤاخذة شخصی او متنبه نشده است دفعه ثانی با حضور رؤسای محاکم که خیلی اثرش زیادتر است و اسباب شرمندگی و خجالت او است از او مؤاخذة میکنند و این مطلب گمان نمی کنم این اندازه قابل اشکال و مذاکره باشد اما در باب عزل که آقای مشیرالدوله فرمودند گمان نمیکنم که در این خصوص محتاج بمذاکره باشد برای اینکه در ماده ۲۰ مفصلاً نوشته شده است که عزل آنها را مجلس باید تصویب کند حتی اینکه این مسئله هم در آنجا ذکر شده است که اگر مجلس عمومی عزل و انفصال یکی از اعضاء را تصویب کرد و مجلس شورای ملی منعقد نبود که راپورت آن بمجلس داده شود تا اینکه مجلس رد و قبول آنرا معین کند موقتاً آن عضو محکوم از شغل خودش منفصل میشود تا اینکه مجلس شورای ملی که افتتاح شد تکلیف آنرا معین کند که منفصل است و باید دیگری بجای او انتخاب شود یا اینکه باید بمقام خودش منصوب و مشغول بکار خودش باشد و در این صورت دیگر اشکالی در این خصوص نیست که محتاج بمذاکره باشد .

رئیس - مذاکرات باندازه کافی است و در این خصوص مذاکره بقدر کفایت بعمل آمد حالا باید رأی بگیریم کسانی که ماده ۳۱ را بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می نمایند قیام کنند (اغلب قیام نکردند و رد شد)

رئیس - در این صورت این ماده باید رجوع شود بکمیسیون بقیه شور در این قانون میماند برای جلسه آتی .

راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی قرائت شد که چون جناب آقای حاج آقا اذن مرخصی سه ماهه خواسته بودند در فقره ذی حجه که کمیسیون عرایض منعقد بود حاضر شده پس از مذاکرات لازمه اکثریت کمیسیون مرخصی سه ماهه ایشان را تصویب می نماید باقی بسته به رأی مجلس است .

رئیس - چون عده برای اخذ رای کافی نیست رای در این خصوص میماند برای جلسه آتیه . جلسه آتیه روز ۵ شنبه و دستور آن شور در بقیه قانون دیوان محاسبات است . حالا چون آقای وزیر است تقاضای جلسه خصوصی کردداند بمذاز ۱۰ دقیقه تنفس جلسه خصوصی تشکیل خواهد شد (یکساعت از شب گذشته جلسه علنی ختم شد)

جلسه ۱۹۱

مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۸

مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۸ مجلس دو ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد . معاضد الملک صورت مجلس قبل از قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل) :

آقایان حسنعلی خان - آقامیرزا اسدالله خان - دهخدا - سردار اسعد بدون اجازه . دکتر علیخان با اجازه غایب . ممتاز الدوله - وحیدالملک - آقا شیخ محمد حسین یزدی - آقا سید محمد رضا - حاج مصدق الملک - شیبانی - حاج شیخ اسدالله - سپهبد اعظم بموقع مقرر حاضر نشدند .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست ؟

سلیمان میرزا - گمان میکنم که درجائی که عده آراء را نوشتند هیچ ذکری از آن عده و اوراق سفید نشده در صورتیکه يك رای به اسم یکنفر ذکر شده باشد سی رای تاسی و سه رای که ورقه سفید بوده است خوب بود همانطور که شرح داده اند این راهم مشروح می نوشتند تا معلوم باشد که چرا اکثریت تام بدست نیامد و به اکثریت نسبی قناعت شد این يك چیز غریبی خواهد بود که همین طور بسکوت بگذرد .

معاضد الملک - گویا حضرت والا التفات نفرمودند همانطور نوشته شده است .

ادیب التجار - در خصوص کمیسیون پروگرام عرض دارم با آن اهمیتی که به این کمیسیون دادند که پروگرام مشی دولت را بنویسند بمجلس بیاورند مدتی است هیچ خبر نداریم از قراری که شنیده ایم بعضی از آقایان اعضاء آن کمیسیون حاضر نمیشوند همه رابه تسامح و دفع الوقت میگذرانند و حال آنکه مجلس این کمیسیون را با آن اهتمام معین کرده که هر چه زودتر پروگرام طریق مشی دولت را حاضر کرده بمجلس بیاورند مخصوصاً تقاضا میکنم و خواهش میکنم آنهایی که تعلل دارند و اسباب تعطیل این کار هستند اظهار بدارند تا معلوم شود و دیگر بنا بود که مستشارهای خارجه را و زرا اقدام بکنند در آوردن آن همدستی است که این مسئله از مجلس گذشته است و وزرا چرا تا بحال اقدام باین مطلب نکرده اند در صورتیکه این یکی از اصلاحات اساسی مملکت است بتصدیق همه آقایان آوردن اینها لازم است چرا کوتاهی میکنند علت را باید فهمید خوب است اطلاع بدهند که وزراء اقدامات خودشان را بمجلس برسانند .

نایب رئیس - در خصوص مستشارها مکرر از هیئت رئیسه بوزراء اخطار شده است .

آقامیرزا ابراهیم خان - تلگرافی است

از آقای مخبر السلطنه فرمانفرمای آذربایجان راجع به تبریک عید غدیر مخبره شده است .

راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به اجازه مرخصی سه ماهه آقای حاج آقا با تصویب کمیسیون قرائت شد .

ایضاً راجع به مرخصی حاجی مصدق الممالک قرائت شد .

حاج مصدق الممالک - بنده عریضه مرخصی خود را استرداد کرده بودم و هیچ گمان نمی کردم که بمجلس بیاید و بهیئت رئیسه هم عرض کرده بودم .

نایب رئیس - حاج مصدق الممالک عریضه مرخصی خودشان را استرداد کرده اند پس رای میگیریم در مرخصی آقای حاج آقا .

حاج آقا - بنده همانطوریکه در کمیسیون عرایض لزوم مرخصی خود را ثابت کردم و اجازه دادید همانطور هم بمحضی از آقایان عرض کردم ولی چون غالباً بعضی از اوقات در موضوع مرخصی بعضی از آقایان مذاکره می کنند و بنده طالب نیستم که در آن مذاکره شود مگر در یک مجلس خصوصی یا در اطاق تنفس اگر کسی توضیح بخواهد بنده توضیح خواهم داد والا همانطور رای بگیرند .

نایب رئیس - رای می گیریم به راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی که موکول برای مجلس کرده است اجازه مرخصی سه ماهه حاج آقا نماینده فارس را و تصویب کرده است .

سلیمان میرزا - همانطور که آقای حاج آقا فرمودند بنده در کلیه موضوع مرخصی ها اشکال دارم یعنی کلیه مرخصی ها چون عددشان مخلوط و هر قدر بخواهند ممکن است و این را بنده باعث تعطیل مجلس دانسته و میدانم ولیکن يك اشکال دیگری این فرمایشات آخری حاجی آقا برای بنده تولید کرد و گمان میکنم که محتاج بمذاکره باشد زیرا با این اشکال نمی دانم چگونه می توان رای داد اگر يك مسافرت شخصی می خواهند بفرمایند گمان نمی کنم که اینقدر مهم باشد که دلایلش را در مجلس خصوصی بگویند پس اینکه می فرمایند در مجلس خصوصی هر کس توضیح بخواهد اظهار میکنم گویا این دایر بر بعضی مطالب رولتیک است که خیلی مهم بنظرشان آمده است و شاید مهم باشد و بنده از آن اشخاصی هستم که رای نخواهم داد نه بر مرخصی ایشان بر هیچ مرخصی مگر اینکه يك دلایلی که خیلی مهم باشد همینطور که میفرمایند اظهار بدارند پس خوب است امروز موقوف کنید رای در این مرخصی را تا اینکه در اطاق تنفس بماها بفرمایند ببینیم شاید يك دلایل مهم باشد آنوقت يك تغییر عقیده ای پیدا میشود و در این خصوص رای بدیم .

حاج آقا - اگر چه در تمام موضوع مرخصیها بنده عرض کرده ام که مرخصی هر يك از نمایندگان بسته باینست که بیان عقیده کنند و گفتگو کنند اگر قانع شدند که رای میدهند والا رای نمیدهند مرخصی يك اجازه ایست که باید دلایل لزوم او را با آقایان اظهار داشت همانطور که در کمیسیون عرض کرده ام و تصویب کرده اند شاید هم آنقدرها شخصی نباشد تمام

جهات لزومش و جهات دیگر هم که راجع بنوع داشته باشد و در مجلس رسمی هیچ نباید در خصوص يك همچو چیزی مذاکره کرد و بنده قبل از این هم بمحضی از آقایان عرض کردم بنده این مطالب را لازم میدانم گفته شود اگر شخص ایشان یادگیری بخواهند همانطور که عرض کردم در خارج یا در مجلس خصوصی توضیح میدهم و اگر لازم نیاندند که امروز در آن رای گرفته نشود بگذارند برای روز دیگر که بنده هم تا آن روز دلایل خودم را عرض کنم .

نایب رئیس - در صورتیکه از برای امروز تا کهد نمی کنند بهتر این است بگذاریم برای روز شنبه در این موقع راپورت شعبه يك بمضون ذیل قرائت شد :

شعبه در دو ساعت از شب چهار شنبه ۱۸ ذیحجه گذشته در تحت ریاست آقامیرزا محمدعلی خان تربیت نایب رئیس منعقد و بجهت کمیسیون نظامنامه انتخاب رای گرفته شد به اکثریت ۱۰ رای از ۱۹ رای آقای آقا شیخ اسمعیل هشترودی و بهشت رای آقای محمد صادق طباطبائی منتخب شدند و چون آقای معاضد السلطنه از کمیسیون بودجه استعفا داده بودند آقای محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای ایشان انتخاب شدند و ادیب التجار از کمیسیون تفتیش نان استعفا داده بودند آقای حاج محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای مشارالیه انتخاب شدند .

ادیب التجار مخبر شعبه اول . عریضه حاج مصدق الممالک به استعفای از عضویت کمیسیون داخله قرائت شد .

نایب رئیس - در آخر جلسه عرض ایشان انتخاب خواهد شد .

کاشف - عرض بنده راجع به استعفای ادیب التجار بود که بجای آقای علی زاده انتخاب شدند ایشان استعفا دادند بنده تعجب میکنم با آن همه اصراری که در تفتیش و عمل نان داشتند و همه را ترغیب میکردند چرا خودشان استعفا داده اند .

ادیب التجار - چون آقای کاشف از باب استعفای بنده از کمیسیون تفتیش نان اظهار استعجاب کردند که با آن جدیتی که بنده از برای نان داشتم لازم بود که برای رفع استعجاب و شبهه ایشان و سایر نمایندگان عرض کنم لابد جهتی داشته است که بنده استعفا داده ام اولاً کمیسیون تفتیش نان وظیفه اش تفتیش است غیر از این بنده وظیفه ای را تفهیده ام یعنی تفتیش و عیوبات را که در آن خصوص بکنند و بمجلس راپورت بدهد و در آن خصوص هم کمیسیون تفتیش نان تفتیشات خودش را کرده و عیوبات را تفهیده و يك ماه متجاوز بلکه چهل روز نباید بیشتر هم باشد عیوبات را آمد بمجلس گفت بعد از آنکه مجدداً بنده از شعبه اول انتخاب شدم و رفتیم آنجا مشغول رسیدگی شدیم با اینکه اختیاری نداشتیم در آنجا خیلی مساعدت کردیم با اظهارات مالیه یعنی مجلس ما را معین کرده بود برای اینکه عیوبات امرنان را بگوئیم و ضمناً رفع آن عیوبات را بخواهیم دیگر دخل و تصرف نکنیم والا تصحیح